

ساختار و ماهیت منظر شهری توسعه تاریخی عرصه عمومی

مترجم: علیرضا اشتیاقی / کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران

✓ در شهرنگار شماره قبل فصل اول این مطلب با عنوان «یک استراتژی برای عرصه عمومی آکسفورد» چاپ شد و در این شماره بخش دوم و در شماره آینده بخش پایانی آن در اختیار خوانندگان عزیز قرار خواهد گرفت.

مقدمه: مرکز شهر آکسفورد با عنوان «شهر رویایی مناره‌ها» در سطح جهانی معروف شده است. این شهر به لحاظ پیشینه دانشگاهی و معماری و منظر شهری غنی آن شهرت یافته است. در سال ۱۹۹۹ میلادی مرکز شهر آکسفورد در اثر اجرای برنامه ای تحت عنوان «راهبرد حمل و نقل آکسفورد» یا OTS دگرگون شد به نحوی که کاهش محسوسی در ترافیک این منطقه بوجود آمد. OTS این امکان را فراهم کرد که خیابانها توسط مردم اصلاح شوند و متناسب با استانداردهایی که شایسته وجهه بین المللی معماری و منظر شهری آن است، تکامل یابند.



کالج جدید، ساخته شده بر زمینهای رهاشده بجا مانده از طاعون سیاه ۱۳۷۹

عرصه عمومی آکسفورد، فرم آن، محصوریت، رنگها و بافت آن در طی هزار سال تلاش انسان به وجود آمده است. این بخش از راهبرد سعی در بیان تاریخ خویش ندارد، بلکه نشاندهنده رویدادهایی است که ماهیت با ارزش آن شهر را تصویر داده است. تحلیل‌ها بیانگر چگونگی توسعه تاریخی و تأثیر آن بر راهبرد عرصه عمومی است.

راه‌های متقاطع که هنوز بر شهر تسلط دارند، از توسعه جاده مسافرتی و بازرگانی شمالی- جنوبی در قرن ۸ میلادی به وجود آمده است. این راه، رود تیمز (Thames) را در محلی بنام axen Ford for نزدیک جایی که اکنون Folly Bridge قرار دارد قطع می‌کرد.

جاده شرقی- غربی نیز در اواخر قرن نهم میلادی ایجاد شد که در خلنگزاری با امکان دفاع مناسب و به دور از سیلاب بین تیمز و چرول (Cherwell) با جاده شمالی- جنوبی برخورد دارد (تصویر ۵).

جاده‌های متقاطع با عنوان Carfax نامگذاری شده که از کلمه Quadrifurcus که در لاتین به معنای چهار چنگال (Four Forks) گرفته شده است. این منجر به ایجاد قرینه ای شد که در آن شبکه معابر درون دیوار دفاعی شهر قرار می‌گرفت. شبکه

توانست شکل شهری زنده و انعطاف پذیر ایجاد کند که هنوز پا برجاست. شکل با شکوه خیابان اصلی (High Street) هنگامی ایجاد شد که تشکیلات دفاعی به سمت شرق گسترش یافت تا به مسیری که به سمت مگدالن بریج می‌رود بپیوندد. مراحل بعدی گسترش، های استریت را با یک معماری باشکوه و متنوع مورد تأکید قرار داد تا بدین وسیله یک چشم انداز منظر شهری سطح بالا از نظر بین المللی ایجاد کند.

همچنانکه بر اهمیت شهر در اواخر قرن ۱۲ افزوده می‌شد، جامعه مذهبی شهر، Studium Generale را برای استفاده کلیه



بافت شهری در سال ۱۵۶۶



بافت شهری در سال ۱۷۲۲



بافت شهری در سال ۱۹۹۹



توسعه مجدد کورن مارکت به سمت غرب بر تفکیک بصری بین شهر و پوسته آن می افزاید

عرض رو به خیابان در اواسط سده ۱۶ رواج یافت که شهر را جانی دوباره بخشید و سازندگان، قطعات شهر را تقسیم و تفکیک کردند تا جمعیت رو به افزایش را اسکان دهند. رونق بی سابقه ساخت ساختمانهای بی نظم و از پیش اندیشیده نشده موجب ازدیاد فرمهای خیابانی و معماری منحصر بفردی شد که چنان تنوع بصری و فضایی به وجود آورد که امروزه نیز واجد ارزش شناخته می شود.

در دهه ۱۶۳۰ رنسانس معماری به آکسفورد رسید و دروازه‌های بوتانیکال گاردنز (Botanical Gardens) بنا شد. این سبک تا بعد از جنگ داخلی که در همین قرن رخ داد بندرت به کار گرفته شد. چنین امری یک نوع روش "برنامه ریزی شده" برای معماری و فضاهای شهری به وجود آورد که نمونه‌های آن در بناهایی نظیر شلدونیان تیاتر (Sheldonian Theatre) و کلارندون بیلدینگ (Clarendon Building) ایجاد شده‌اند.

نخستین "محیط عرصه عمومی" در دهه ۱۷۷۰ به وجود آمد که در جاده تورن پایک رود،



Cornmarket - نحوه استفاده از فضا، سبک معماری و کفسازی آن در تضاد با بخشهای تاریخی و دست نخورده شرقی است

برای ارتباط با لندن ایجاد شد. دروازه‌ها تخریب و جاده نیو رود از میان محوطه قلعه عبور داده شد؛ آبگذر کارفاکس که یک مجتمع زیستی زیبا در نزدیکی سرچشمه تأمین آب شهر بود از میان برداشته شد و این



تصویر ۵: محل استقرار شهر آکسفورد

دانشجویان و اساتید ایجاد کرد. این دانشکده، آکسفورد را از سایر شهرهای حاشیه رود تیمز نظیر والینگفورد (Wallingford) و ردینگ (Reading) متمایز کرد. در نتیجه،



در ساختمانهای کلاسیکی نظیر کلارندون بیلدینگ شخصیت متفاوت و حس مکان خاصی وجود دارد

یک فرم خاص معماری دانشگاهی توسعه پیدا کرد که برای دانشجویان پانسیون و مسکن فراهم می آورد. با گسترش دانشگاه شهر، رو به زوال رفت. کالج جدید در سال ۱۳۷۹ بر زمین متروکه بجا مانده از مرگ سیاه (طاعون) بنا شد. با بالا رفتن شأن و منزلت دانشگاه در قرون ۱۴ تا ۱۶ میلادی، بالندگی سبک گوتیک در کالج‌ها رو به پیشرفت نهاد.



نمای کم عرض ساختمانها در Turl St. در شهر، از این گونه تنوع های فرمی ناخوشایند زیاد دیده می شود

در شهر اصلی اما، الگوهای متنوع نماهای کم



Gloucester Green - مقیاس و طراحی آن
بازتاب دهنده میزان حساسیت بیشتر نسبت
به محیط تاریخی است

امر در سال ۱۷۸۷ اتفاق افتاد. بعداً و در سده ۱۸ تخریبهایی انجام گرفت تا مناظر را بر مبنای اصول خوش منظرگی (یعنی ایجاد مناظر زیبا و کارت پستال مانند) بهبود دهد.

در طی ۲۰-۳۰ سال اول قرن ۱۹، شهر گسترش یافت و

جمعیت بسیاری به حومه‌ها منتقل شد. این موضوع موجب شد که توسعه مجدد شهر در مقیاسی بزرگ صورت پذیرد، به خصوص در امتداد خیابان کورن مارکت استریت.

در سال ۱۹۱۴ ویژگیهای برجسته عرصه عمومی محله دانشگاهی پیش از آنچه امروز دیده می‌شود نمایان بود. تا بعد از جنگ دوم جهانی که موج مدرنیسم به آکسفورد رسید، تغییر عمده‌ای در این عرصه اتفاق نیفتاد. طرد فرمهای سنتی از معماری و برنامه ریزی‌ها، به همراه تمایل به برآوردن نیازهای حمل و نقل و توسعه مدرن تأثیری ژرف بر نیمه غربی مرکز شهر، خصوصاً بخش St Ebbes نهاد.

این توسعه عظیم با بحران مالی و اقتصادی اواسط دهه ۷۰ پایان یافت. از آن زمان به بعد طرحها عموماً ملاحظات مربوط به فرم و مقیاس مرکز شهر را به هنگام گسترشهای به اطراف رعایت کرده‌اند.

تصویر و هویت آکسفورد از طریق سیاستهای برنامه ریزی که به مقام و منزلت آن به عنوان یک شهرستان ارج می‌نهد، حفاظت می‌شود. این سیاستها توسعه شهرکهای اقماری را جهت دهی می‌کنند تا شخصیت مکان را به عنوان "شهر رؤیایی با مناره‌های مخروطی" در یک بستر سرسبز حفظ نمایند.

توسعه تاریخی - خلاصه:

■ الگوی شهری آکسفورد دارای ارزش ذاتی به عنوان یک فرم توسعه دست نخورده تاریخی است که با تغییرات کاربری سازگار بوده، فرمی قدرتمندانه دارد و برای عابر پیاده قابل استفاده است.



تقاطع کارفاکس - از سالهای ۱۸۹۰ سنگفرش و خط تراموا بر سطح خیابان خودنمایی می‌کنند

راهبرد عرصه عمومی باید مکمل این الگو و به حد اکثر رساننده کارآیی آن برای عابر پیاده باشد.

■ استخوانبندی که شهر بر آن اساس رشد می‌کند، جاده‌های متقاطع است که در کارفاکس به هم می‌رسند. این ساختار ساده، محیط را برای پیاده‌ها، دوچرخه سوارها و رانندگان خوانا می‌سازد. این "ستون فقرات" بایستی بوسیله راهبرد عرصه عمومی مورد تأکید قرار گیرد.

■ فرم الگوی بخش جنوبغرب مرکز شهر به دلیل توسعه مجدد آن از هم گسیخته شده و کیفیت مثبت طراحی شهری آن پایینتر است. طرح جاده‌ها و فرم بناها، این ناحیه را از هسته تاریخی جدا کرده و انفصالی را در آنچه که زمانی یک کلیت دارای رشد ارگانیک بود پدید می‌آورد. راهبرد عرصه عمومی باید در پی یکپارچه سازی این بخش از مرکز شهر باشد.

■ کاربری عرصه عمومی بازتاب دهنده کاربری ساختمانهای مجاور آن است. این کاربریها در طی زمان تغییر کرده و به نظر می‌رسد که در آینده نیز وضع به همین منوال پیش برود. راهبرد عرصه عمومی باید برآوردن نیازها و تمایلات کیفی استفاده کنندگان فعلی آن و ایجاد حس پیوند با گذشته باشد. همچنین باید



جدولها و کانالهای گرانیتی، به همراه قلوه سنگ و ماسه سنگ کار گذاشته شده در کف کوچه

بخشهایی از هسته تاریخی و بواسطه استانداردسازی پیاده روها و جداول کنار آنها در سرتاسر شهر به وجود آمده است. این وحدت در مصالح، در نمای خیابانهای کورن مارکت استریت و کویین استریت (Queen Street) که مصالح غیر طبیعی در آنها به کار رفته است، دیده نمی شود.

منشأ مصالح همواره مهم بوده است. از نظر تاریخی بیشتر مصالح پوششی دارای منشأ محلی بوده اند؛ اما با کمیاب شدن سنگهای بومی مصالح جدیدی جایگزین آنها شده و استفاده از منابع جدید و تکنولوژی مدرن توجیه اقتصادی پیدا کرده است.



سنگفرش بر روی خط تراموا در امتداد High Street (اواخر قرن ۱۹)

راه ها :

سطوح راهها همواره منعکس کننده نیازهای کارکردی و واقعیتهای اقتصادی است.

جادههای قدیمی تر به صورت زمین کوبیده شده بوده اند. بعدها سطح این جادهها به وسیله سنگریزه پوشانده شد. اما کف سازی خیابانهای جانبی تنوع بیشتری دارند. مثلاً خیابان NewInnHall دارای کف سازی با سنگریزههای آهکی می باشد. در دورههای بعدی سطوح کف راهها توسط سنگهای

ساده، قدرتمند و قابل انعطاف باشد تا محملی را برای زندگی عمومی آینده شهر به وجود آورد.

مصالح مورد استفاده در آکسفورد:



Broad Street (اواخر قرن ۱۹) که کف آن سنگفرش شده است

مبنای توسعه شهر آکسفورد بر اساس رنگ و نوع سنگهای مورد استفاده در آن است. از دیدگاه معماری به نظر می رسد که مجموعه کاملاً هماهنگی از مصالح بومی با غلبه رنگهای گرم سنگهای آهکی و سنگ ماسه (Sandstone) وجود دارد. امروزه سنگهای نما هنوز طوری انتخاب می شوند تا با رنگها و درجه رنگ سنگهای بومی مطابقت داشته مکمل آنها باشند.

کف سازی عرصه

عمومی به صورت تدریجی و در طی زمانی طولانی پدیدار گشته و تنوع بصری قابل ملاحظه ای دارد. وحدت بین انواع مختلف مصالح و فرمها، بوسیله کاربرد هماهنگ مصالح طبیعی در



آستانه در ورودی ماشین رو یک ساختمان



قطعات ماسه سنگی در امتداد خیابان High Street

* سنگهای کوچک طبیعی در خیابانها که ظاهری بافت دار ایجاد می‌کند؛

* استفاده از طیفی از سنگفرشها که اجرای کار را در عین وجود

محدودیت‌های اقتصادی به بهترین وجه ممکن

می‌سازد و شامل گرانیت، بازالت آهکی و بازالت شیشه‌ای است؛

* سنگفرش گرانیتی / بازالتی آبگذرها در امتداد کلیه خیابانها؛

* جدولهای عریض خصوصاً در خیابانهای اصلی؛

* جداول کم عرض‌تر به طور کلی؛

* جداول ماسه سنگ / سنگ آهکی در خیابانهای اصلی؛ و

* جداول سنگ ماسه / گرانیتی / سنگ آهکی در خیابانهای فرعی و کوچه‌ها.

الزام به ایجاد تعادل بین سابقه تاریخی و نیازهای عملکردی مدرن، استانداردهای طراحی را پیشنهاد می‌کند، که در این رابطه مصالح مورد استفاده در عرصه عمومی باید:

الگوی ساخته شده فعلی را در مورد سنگفرشها و جداول سنگ آهکی ادامه دهد ضمن آن که شخصیت ویژه خیابانهای فرعی و کوچه‌ها را مورد توجه قرار دهد.

در پی استفاده عملی‌تر و از نظر زیبایی شناسی مناسب‌تر برای مصالح سنگ طبیعی در خیابانها باشد تا نیازهای کیفی عرصه عمومی برآورده شود. ■

(دنیاله مقاله در شماره آینده)



خرد شده و مکعب تصویر پوشیده شد. این نوع کف در نقاط چرخش مورد استفاده بیشتری داشت، و کاربرد آن به دلیل هزینه بالا و فرآیند پر زحمت پیرایش سنگها محدود بود. امروزه سنگفرشهای متداول غالباً گرانیت صورتی / خاکستری، بازالت و سنگ آهک هستند.

پیاده روها :

پیاده روها به طور یکسان به وسیله سنگ فرش شده است. جنس آن از ماسه سنگ (Sandstone) یا سنگ آهک حاوی شن می‌باشد.

جدولهای کنار پیاده رو:

بخش عمده‌ای از جدولها از جنس ماسه سنگ است، اما در محلهای معینی در خیابانهای فرعی و کوچه‌ها گرانیت نیز به کار رفته است. در برخی نواحی نظیر خیابان High Street و در بعضی مکانهای دیگر در سده پیش (قرن ۱۹) جدولهای عریض با نوع کم عرض‌تر آن جایگزین شد. در بعضی کنج‌ها جدولی از جنس فولاد استفاده شده‌اند تا از لب پر شدن آنها پیشگیری شود. اخیراً جدولهای سیمانی مد نظر قرار گرفته‌اند که از نظر رنگ، بافت و ویژگیهای ضد فرسایشی در برابر تأثیرات هوا قابل توجه‌اند.

مصالح قدیمی - خلاصه:

■ سطح کف راه‌ها بر اساس الگوهای متفاوت کاربردی، اقتصادی و تکنولوژیکی در طی زمان تغییر کرده است.

■ جداول سنگ ماسه‌ای به همراه سنگفرش در پیاده روی خیابانهای اصلی، به طور هماهنگ به کار گرفته شده‌اند. بر اساس مدارک موجود در اواخر قرن ۱۹ در امتداد برخی از خیابانهای اصلی، جدولهای عریض با جداول باریکتر فعلی جایگزین شد.

■ در خیابانهای فرعی تنوع جدولها بیشتر است که شاید این امر به دلیل کم اهمیت‌تر بودن این نوع خیابان باشد.

■ برای هر یک از موارد زیر سابقه تاریخی ویژه‌ای وجود دارد: